

درباره شوراهای شهر، حقوق و وظایف آنها

صفحه ۲

دستی و هشتمین سالروز تاسیس حزب توده ایران و آغاز انتشار مجدد مردم، توسط مردم

دفتر «مردم» گلباران شد

دفتر «مردم»، در حضور رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و عده‌ای از اعضای هیئت سیاسی و کمیته مرکزی، توسط نماینده دادستان کل انقلاب گشوده شد



بلاخره زمین مزروعی مال کیست؟

روز پنجشنبه ۱۲ مهر، اطلاعیه‌ای از وزارت کشاورزی درج‌راید انتشار یافت. اطلاعیه درباره جریاناتی است که در استان فارس رخ داده، مالکن مصرند که زمینهای زراعی را تصرف کنند و دهقانان بحق میطلبند که زمین باید مال آنها، یعنی مال زحمتکش واقعی باشد.

قاعده‌ا از وزارت کشاورزی دولت جمهوری اسلامی انتظار می‌رود که جانب دهقانان مستضعف را بگیرد و دست مالکان مستکبر را، که دهقانان را غارت می‌کنند، کوتاه نماید. ولی اطلاعیه وزارت کشاورزی دست برعکس است. انتظاری که مردم و بویژه دهقانان فارس از دولت داشتند، برآورده نشده است.

مقامات محلی از قرار به مالکان و کشاورزان اطراف شهر از اغیار کرده بودند که باید زمینها را بایر و بلااستفاده نگذارند و شروع بکشت پاییزه کنند و گرنه طی ۲۳ ساعت نسبت به خلع پند از آنها اقدام خواهد شد. این اضطراریه توسط رادیو تلوویزیون فارس هم پخش شد. واضح است که این حداقل انتظار است که مهربان دهقانان تشنه زمین و بقیه در صفحه ۲

صحنه‌ای از جریان گشایش مجدد دفتر «مردم»

۱۰ مهر، در شهر، در سه‌م‌ای پیگیرترین مبین دوستان و آزادیخواهان، در چهره آگاهترین زحمتکشان، شور و شعفی غیرعادی بچشم می‌خورد. زحمتکشان، روشنفکران آزادیخواه و نیروهای ضد امپریالیست، سی و هشتمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، را در شرایط گشایش مجدد دفتر «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، جشن می‌گرفتند.

روز قبل، دفتر روزنامه «مردم»، در حضور رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و عده‌ای از اعضای هیئت سیاسی و کمیته مرکزی و جمعی از اعضا و هواداران حزب، که از گشایش دفتر «مردم» آگاه شده و به پیشانی آنرا گلباران کرده بودند، توسط نماینده دادستان کل انقلاب، گشوده شده بود و این، یعنی انتشار دیگر باره «مردم»، که یکماه و نیم پیش بدون دلیل توقیف شده بود، برای شادمانی می‌افزود.

دفتر «مردم» از همان ابتدای گشایش با استقبال وسیع مردم مواجه شد. روزیکه قرار بود دفتر «مردم» گشوده شود، هر چند خبر آن در سطح بسیار محدودی پخش شده بود، ولی از صبح گروه‌هایی از هواداران حزب، با زدن گلهای سرخ به نمای خارجی دفتر، جشن شادمان خود را آغاز کرده بودند. هنگامیکه در ساعت ۳ بعد از ظهر رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی و عده‌ای از اعضای هیئت سیاسی و کمیته مرکزی به محل دفتر رسیدند، جمعیت با شماره درود بر کمیته مرکزی حزب ماه از آنها استقبال کردند. به هنگام گشایش دفتر، حاضران یکسره شروع به خواندن سرود حزب توده ایران کردند و در همان حال بسیاری از شدت شوق می‌گریستند. حاضران برای نماینده دادستان انقلاب کنزدند و این اقدام بجای داهستانی را در دفع توقیف بی‌دلیل و غیرموجه «مردم» تأیید کردند.

روز بعد در سالروز تاسیس حزب توده ایران و کمی پس از انتشار خبر گشایش دفتر «مردم»، گروه‌های مختلف مردم، از دانش آموزان و دانشجویان و کارگران گرفته تا نمایندگان احزاب و نیروهای معرفی و آزادیخواه، پادسته‌های گل برای تهنیت تجدید پیمان اتحاد و مبارزه در راه تحقق آرمانهای مردمی، بجانب دفتر «مردم» سرازیر شدند. در شهر، در اکثر کویسکهای روزنامه فروش، شماره ۵۶ «مردم» با پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت آغاز سی و هشتمین سال نبرد پیگیر، در راه کسب استقلال ملی، آزادی و تامين خواستهای زحمتکشان، به چشم می‌خورد. در برخی نقاط، روی دسته روزنامه «مردم»، شاخه گل میخک سرخی، به نشانه ۳۸ سال فداکاری و اسطوری در راه آرمانهای مردم زحمتکش قرار داشت.

بقیه در صفحه ۲

درباره مجلس خبرگان و مصوبات آن

در صفحه ۲



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۸
شنبه ۱۴ مهر ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۵ ریال

نشانه‌های امیدبخش در راه حل مسئله کردستان

■ حل مسئله کردستان فقط از طریق مسالمت آمیز و با تامين حقوق ملی خلق کرد امکان پذیر است

طبق اخباری که منتشر شد، حجت الاسلام حسن کرمانی، نماینده اعزامی امام خمینی به غرب کشور، در مه‌ها باد، در جلسه‌ای با شرکت استاد آذربایجان غربی، فرمانده پادگان و فرماندار مه‌ها باد، نماینده اعزامی نخست‌وزیر، فرمانده سپاه پاسداران و گروهی از مردم شهر حضور یافت. در این جلسه، نماینده امام، ضمن نطقی که ایراد کرد، به حشوات اخیر کردستان اشاره نمود و گفت:

«آتش که در کردستان روشن شد نه خواست مردم کرد و نه خواست ما بود... این آتش را بیشتر دوستان نادان ما روشن کردند، دوستان نادانی که مانند موریانه در داخل ما این اعمال را دامن زدند... باید واقفیت را که فعلا با آن روبرو هستیم قبول کنیم، دولت آنچه را که شما در این جلسه عنوان کردید، به عنوان خودمختاری بکلیه استانها باید بدهد... ما باید کاری کنیم که نگذاریم دشمنان ما بیش از این بما بخندند.»

آقای حقگو استنادار آذربایجان غربی نیز در این جلسه گفت:

«در اسلام مردم خودمختاری کامل دارند و کسی متفکر آن نیست، اما متأسفانه در برخی نقاط برای نتیجه‌گیری از ثمرات انقلاب عجله شد و باعث بروز ناراحتی‌هایی گردید.»

یکی از نمایندگان مردم مه‌ها باد، با اشاره بلزوم تامين حقوق ملی خلق کرد، گفت:

در صفحه ۲

تغییر کابینه به چه معنی است؟

برای چندمین بار از آغاز تشکیل دولت موقت، تغییراتی در کابینه بوجود آمده است. معمولاً تغییراتی که در هر دولتی روی می‌دهند، یا معنی تغییر در سیاست کلی دولت است در زمینه‌های معین یا جنبه «فنی» دارد، یعنی بعلی غیر از تغییر سیاست کلی دولت صورت می‌گیرد، مانند استعفا، بیماری عدم توانایی و... یک یا چند وزیر.

تغییراتی که تاکنون در دولت موقت صورت گرفته، در اساس خود، حاکی از تغییر سیاست کلی دولت نبوده است ولی تغییر اخیری که در کابینه آقای مهندس بازرگان صورت گرفته، از دو نظر حائز اهمیت است، نخست آنکه برخی از این تغییرات می‌تواند حاکی از تغییر سیاست باشد. دوم اینکه از برخی از وزارتخانه‌ها و در نتیجه وزیران آنها - بعلت اهمیت و حساسیت وظایف آنها - انتظار عمل جدی و فوری در جهت خواستهای مردم می‌رود، کاری که متأسفانه تاکنون صورت نگرفته است.

با اینکه پس از پیروزی انقلاب ایران، حاکمیت ملی ایران بر صنایع نفت اعلام شده، ولی چنانکه همه شواهد حاکی است، آقای نژاد نه خواسته و نتوانسته است در سیاست نفتی ایران تغییر اساسی بدهد. نتیجه چنین روشی ادامه وابستگی نفتی ایران به انحصارات امپریالیستی نفت است که، با توجه به نقش عظیمی که نفت در اقتصاد ملی ایران دارد، نتیجه‌ای جز حفظ وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیسم، نخواهد داشت.

نارضایتی بسیاری از محافل سیاسی و اجتماعی از آقای نژاد، که در روزهای اخیر به اوج خود رسید و سرانجام تا تشکیل وزارت نفت و تعیین وزیر جدید نفت، عملاً به برکناری وی منجر شد (بدون آنکه این برکناری اعلام گردد) ناشی از همین واقعیت است.

اینک با ایجاد وزارت نفت و تعیین وزیر جدید نفت مردم انتظار دارند که این تغییر، با تغییر در سیاست نفتی ایران در جهت ریشه‌کن ساختن نفوذ انحصارگران نفت از صنایع و صنایع نفت ایران، در جهت تامين حاکمیت دولتی ایران بر صنایع و صنایع نفت خویش همراه باشد.

در مورد ایجاد وزارت مشاور برای رسیدگی به امور استانهای کشور، که واحدهای ملی را هم دربر می‌گیرد، باید گفت که باشناسایی که از آقای داریوش فروهر، وزیر مشاور

بقیه در صفحه ۸

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی‌درنگ لغو شود

بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره وضع کنونی کشور

هم میهنان گرامی!

انقلاب تاریخی مردم ایران، که بدون تردید یکی از بزرگترین حاسه‌های تاریخ معاصر جهان است، به مرحلهٔ بفرجی از تکامل خود رسیده است .

انقلاب ما «برپایهٔ شرکت واتحاد تقریباً همهٔ مردم کشور، و با رهبری قاطع امام خمینی، توانست یکی از مستحکم‌ترین رژیم‌های امپریالیسم و ارتجاع جهانی را درهم شکنند و در مدت نسبتاً کوتاه عم خود، به‌ویژه در شش ماه اول پس از پیروزی انقلاب، با برانداختن رژیم استبداد سلطنتی، درجهت تأمین استقلال ملی و آزادی، درجهت پایان بخشیدن به تسلط امپریالیستی و صهیونیستی بر همه شئون زندگی و محدود کردن چپاولگری طبقات حاکم‌نظام بوسیلهٔ سلطنتی، به‌دست‌آوردن چشمتگیری ناپل آید .

حزب توده ایران که از آغاز پیدایش خود پرچم مبارزه برای استقلال ملی و آزادی و دفاع از منافع زحمتکشان را برافراشت و هم‌کمر بزمین نگذاشت، و دوش به دوش سایر نیروهای ملی و آزادی‌خواه در این انقلاب شرکت کرد . حزب توده ایران بدون تزلزل تمام نیروی خود را درجهت پشتیبانی از رهبری قاطع امام‌خمینی و در راه تحکیم و گسترش اتحاد همهٔ نیروهای انقلابی، به‌ویژه نیروهای انقلابی که زیر پرچم مذهب مبارزه می‌کردند، و بانی‌های راستین چه به کار افتادند . حزب توده ایران با هر گونه تفرقه‌اندازی و چه از سوی چپ‌گرایان افراطی و چه از جانب راست‌گرایان انحصار طلب، مبارزه کرد و چهرهٔ کریه نفاق افکنان حرفه‌ای ضدانقلابی را، که زیر مساک‌های «چپ» و راست در میان انقلابی‌وی رخنه کرده و می‌کنند، افشا نمود .

پیروزی انقلاب ایران به‌موضع دشمنان اصلی و واقعی میهن‌ها، یعنی امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم بین‌المللی و بازماندگان رژیم وابسته پهلوی ضربهٔ سنگینی وارد ساخت و منافع آنان را در ایران و در منطقه از ریشه به‌خطر انداخت. این دشمنان زخم خود را، برل‌آزادنیامدهٔ مردم ایران، از همان آغاز، سرچشمه قدرت خلق را، که اتحاد همهٔ نیرو های ملی و آزادی‌خواه در مبارزه بر ضد امپریالیسم و ارتجاع بود، شناختند و تمام نیروی ارمنی خود را برای خشکاندن این سرچشمهٔ قدرت، برای اتلاشی کردن این اتحاد، برای ایجاد تفرقه و نفاق در صفوف مبارزان دام‌استقلال و آزادی ایران، برای افروختن جنگ‌برادر کنی بین خلق‌های ایران به‌کار انداختند .

حزب توده ایران، با آموزشی که از درس‌های تاریخی میهن ما گرفته‌است، و با شناخت درستی که از امپریالیسم و صهیونیسم دارد، و این دسیسه‌ها و توطئه‌های ضد انقلابی را به‌توقع و بر روشنی دید و بارها و بارها، طی نامه‌های سرگشاده و در نشریات خود، دربارهٔ خطراتی که انقلاب را تهدید می‌کند، زنهار داد . با کمال تاسف آنچه ما پیش‌بینی می‌کردیم، اینک صورت واقعی به‌خود گرفته است .

در چند هفته گذشته چرخشی جدی در سیاست داخلی کشور انجام گرفت و باین چرخش، جو جدیدی در زندگی سیاسی و بخشنامه‌های محاکم‌فرما گوید . آن آزادی که از جانب رهبری انقلاب، هم پیش از انقلاب و هم پس از پیروزی انقلاب، وعده داده می‌شد و بدام‌های اول پس از پیروزی انقلاب ناهد زیادی مراعات می‌گردید، یکباره و به‌طور تکرانی آوری محدود و در برخی زمینه‌ها برچیده شد .

واقفیت اینست که این چرخش ناگهانی نبود . این چرخش نتیجهٔ تحول تدریجی است که در ماه‌های اخیر در سیاست انجام می‌گرفت و محتوی آن عبارت بود از یک گرایش به‌راست در همهٔ زمینه‌های سیاست داخلی، خارجی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی. محصول این‌گردش به‌راست و چرخش ناشی از آن رادر زمینه‌های گوناگون به‌صورت زیرین می‌توان دید:

۱. آزادی‌های فردی و اجتماعی

به‌طور کلی حمله به آزادی‌های فردی و اجتماعی، که در ماه‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب محدود بود، با آغاز فعالیت انتخبانی برای مجلس خیرگان شدت گرفت . گروه‌های بی - مسئولیت، که بوسیلهٔ افراتیون راست تهجیب می‌شدند، در مراسم ایران نیروهای مخالف خود را مورد حمله قرار داده، با کتاب‌سوزی، تخریب و غارت مراکز فعالیت و سراب و جرم آنها مانع از آن می‌شدند که این نیروها بتوانند از آزادی‌های اعلام شده بوسیلهٔ رهبری انقلاب برای توضیح نظریات خود به مردم، استفاده کنند . و در صفوف عملی شدن انقلاب هم این فرست را نفیشت‌شمرند ساواکی‌ها و سایر عمل‌کنندگان رخنه کردند و در بسیاری از موارد رهبری عملیات آنان را برعهده گرفتند . به‌ویژه سازمان‌ها و کتله‌های ویشی‌ای حزب توده ایران و دفاتر «مردم» را گان مرکزی حزب

اسناد حزبی

دروان توفیق بدون دلیل «مردم» از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران **نامه**، اعلامیه‌ها و بیانیه های متعددی پهناسبت رویدادهای گوناگون انتشار یافت. از آنجا که این اسناد، بدست مردم و به‌ویژه هم علاقه‌مندان قرار نرفته است، «مردم» یار دیگر این اسناد، بر حسب تاریخ انتشار، بچاپ میرساند تا همگان از آن اطلاع یابند .

۲- حوادث دردناک کردستان

حوادث اخیر کردستان ظاهراً بطور غیرمنتظره، به‌دنبال حادثهٔ باوه، که بدون شك دست‌های ناپاک عمل امپریالیسم و صهیونیسم در آن خالت داشته‌اند، روی داد . ولی در واقع جریان به‌آرام عمیق‌تر از آن است که در سطح دیده می‌شود .

سلم است که با پیروزی انقلاب ایران، امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم مواضع بسیار مهمی را در منطقه از دست دادند. برای بازگرفتن این مواضع، این دشمنان اصلی وقایع مردم ایران از همان لحظه پیروزی انقلاب - و شاید مدت ها پیش از آن - کوشیدند تا از دورهٔ «یک‌آرزوفراه دادن عمل‌خود در کردستان» نرسیات ما و دفاتر «مردم» آغاز شد و تا آن‌جا پیش رفت که در کرمانشاه در نفرز اعضاء حزب توده ایران، رفا آذروش مهدویان و شیانی و همچنین مبارز سرشناسی گرجی یالی، که مطلقاً ارتباطی با حوادثی که در کردستان می‌گذشت، نداشتند، بازداشت و پس از بی‌رحمی، بدون محاکمه اعدام شدند . این افراد از خوشنام‌ترین جوانان مبارز کرمانشاه بودند . در مورد آذروش مهدویان، تنها افترازی صاحب محلی که او را در دبیرخانه سازمان جوانان ودانش- جوانان دسکرات ایران که کوچک‌ترین ارتباطی با حوادث پایا و کردستان نداشته است گزایه کرده، کافی بوده است تا حاکم شرع، بدون کوچکترین رسیدگی، حکم اعدام او را صادر کند . در قصر شیرین، شیراز، اصفهان، رشت، تبریز، مشهد و بسیاری از شهرهای دیگر مراکز حزب، مورد هجوم و تخریب و آتش‌سوزی قرار گرفت و هیچ مرجعی هم تاکنون به شکایات مادر این ضربه رسیدگی نکرده‌است . در همان حال، علیرغم دستورات مکرر امام در زمینه آزاد گذاشتن فروش کتاب و نشریات، و دادستان انقلاب مرکز به‌چاپخانه‌ها - با تهدیده تطیل و تعقیب آن‌ها- اخطار کرده است که از چاپ و کتب ضاله خودداری کنند، بدون آنکه توضیح دهده که محاکمه کدامند و معیار ضاله بودن چیست ؟ در ارتباط با این بخشنامه، روزنامه انقلاب اسلامی، در مقاله‌ای زیر عنوان «سیاسی‌گرویا و رومانی «کتب و نشریات مضره!» اهی خطرناکی که باز سر بلند می‌کنند خطاب به‌دادستان انقلاب مرکز نوشت:

«در میان نابوری و بیعت خیر شدید که به دهی کردنشین شده و عده بسیاری را قتل‌عام کرده‌اند . قتل‌عام زن و کودک و پیر و میرد بر دفاع ! روشن است که این‌گونه جنایات تنها به دست عمل امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم سرنگون شده پهلوی صورت می‌گیرد، که اینک زیر پرچم دروغین دفاع از اسلام، مردم مسلمان بر دفاع را قتل‌عام می‌کنند . اعدام بی‌گناهان در کرمانشاه، قتل‌عام در قارنا و ده‌ها حادثهٔ غم‌انگیز و «بیت‌انگیز» و «باورنکردنی» دیگر، نخستین موه‌های تلخ و مسوم‌کننده درخت انحصارطلبی و اولین نتایج دردناک و خطرناک سرکوب آزادی است .

حزب توده ایران سخنان مجاهد فراموش نشدی، آیت‌الله طالقانی را، در خطبه نماز روز ۱۶ شهریور ۱۳۵۸ در این زمینه کاملاً تایید می‌کند . وی گفت:

« در همین مسائلی که در کردستان پیش آمد، اگر ما به‌جای پس‌گیری پیش‌گیری می‌کردیم، اگر آن وقتی که من به سنندج رفته بودم تا همگان، عمل می‌کردیم، و در حفظ رحمت و دیرتو رحمت، و این‌ها تمام می‌گرفتیم و پندها را از این‌ها برمی - داشتند، پندهایی که از طرف رژیم به‌آن‌ها تحمیل شده و آنچه که رژیم غدار طاغوت به‌آن‌ها تحمیل کرده بود، شاید این‌مسائل پیش نمی‌آمد و یاکم‌تر پیش می‌آمد»

در حوادث کردستان تاکنون صدها نفر از مردم زحمتکش شبر و روستا، که اکثریشان کوچک‌ترین دخالتی در این حوادث نداشته‌اند، به‌خاک و خون غلطیده‌اند، هزاران نفر از خانه‌ها گرانده آواره شده‌اند و ده‌ها نفر بدون کوچک‌ترین جرمی اعدام گردیده‌اند. ظاهراً ارتش برقرار شده است . ولی تاریخ صد ساله اخیر چنین‌هایی می‌درد و در مراسم جهان در همین تاریخ ما ایران، ده‌ها و ده‌ها بار نشان داده است که با این‌گونه «آرامش‌ها» و «سسه‌ها» خلق کرد و سررصدای هواداران این‌گونه «آرامش‌ها»، «سسه‌ها» خلق کرد و مسائل نظیر آن در سراسر ایران حل نخواهد شد . تنها زخم دردناک تازه‌ای به زخ‌های موجود افزوده شده است . اگر در راه برآوردن خواست‌های به‌حق کارگران و زحمتکشان ایران و دهقانان محروم ایران، در راه پایان دادن به محرومیت‌های ملی خلق‌های غیرفارس در چهار گوشه کشور ما، گام‌های مؤثر و امید- بخش برداشته نشود، پاکشتن، اعدام، تبعید، زندان، و اخراج، با بامب آتش‌زا و بمب‌افکن قاتوم و ملیکون‌پوش کبرا می‌توان موتا آرامش گورستان را برقرار کرد، ولی درهای اجتماعی را نمی‌توان در مان نمود .

در حوادث کردستان، با نتایج دردناکش، نکته‌های تاریک بسیاری وجود دارد که توجه به‌آن‌ها شایان اهمیت است . و همین نکات تاریک است که تکراری هواداران راستین انقلاب ایران را دوچندان می‌کند . این نکات تاریک تا آن‌جده است که حتی در نمای عالی‌ترین مقامات مسئول اختلاف جدی دیده می‌شود. مثلاً آقای وزیر کار و سراجت اظهار داشته است که در مورد کردستان در سخنرانی تلویزیونی خود اشاره‌ای نکرده است . آقای نخست‌وزیر هم گزارش‌های دروغ به‌امام داده شده است . در نشست‌وزیر هم در سخنرانی آزادی و همهٔ هواداران تبعیت و تحکیم و گسترش عیق- سقز و یا سنندج داشته است . روزنامهٔ «کیهان انگلیسی»، که زیر نظر جناح میمنی از هیئت حاکمه کنونی منتشد می‌شود، بدون هیچ دلیلی اتحاد شوروی را شتم کرده است که در کردستان به منزلهٔ بازکردن زنجیر از دست و پای گرگ‌های فساد در همهٔ زمینه‌هاست .

بقیه در صفحه بعد

بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره وضع کنونی کشور

بقیه از صفحه ۴

دستگاه «کیهان» بیرون می‌آید، با بی‌بروایی همین اتهام را تکرار کرده است . در حالی که آقای پروفسور مگری، سفیر کبیر ایران در اتحاد جماهیر شوروی، ضمن تأکید دخالت مسلم صهیونیسم در ایجاد حوادث کردستان، و صریحاً اعلام می‌دارد که برای دخالت اتحاد شوروی در حوادث کردستان هیچ‌گونه دلیلی وجود ندارد .

همهٔ این‌ها گویای این واقعیت است که هدف عمدهٔ امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم، که از دوطرف کوشیدند مسئلهٔ کردستان را به برادر کشی بکشاند، این بوده است که با صحنه سازی و دروغ‌سازی، با پاک‌سازی دشمنان در رسانه‌های کپلور دولتی و غیر دولتی، دست‌گیری انقلاب ایران را، که به‌طور روشن علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و کارگزاران ایرانی آن‌ها بود، تغییر جهت داده، مردم را متوجه یک دشمن خیالی به‌نام «کمیونسزم» سازند و سرانجام شعار «هر یک بر سه مفسدین - کاتر و سادات و یکین، راز صحنه سیاست ایران خارج کنند و آن را با شعار عمیق‌تر از آن است که در سطح دیده می‌شود .

سلم است که با پیروزی انقلاب ایران، امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم مواضع بسیار مهمی را در منطقه از دست دادند. برای بازگرفتن این مواضع، این دشمنان اصلی وقایع مردم ایران از همان لحظه پیروزی انقلاب - و شاید مدت ها پیش از آن - کوشیدند تا از دورهٔ «یک‌آرزوفراه دادن عمل‌خود در کردستان» منافع خود را در سراسر ایران و دفاتر «مردم» آغاز شد و تا آن‌جا پیش رفت که در کرمانشاه در نفرز اعضاء حزب توده ایران، رفا آذروش مهدویان و شیانی و همچنین مبارز سرشناسی گرجی یالی، که مطلقاً ارتباطی با حوادثی که در کردستان می‌گذشت، نداشتند، بازداشت و پس از بی‌رحمی، بدون محاکمه اعدام شدند . این افراد از خوشنام‌ترین جوانان مبارز کرمانشاه بودند . در مورد آذروش مهدویان، تنها افترازی صاحب محلی که او را در دبیرخانه سازمان جوانان ودانش- جوانان دسکرات ایران که کوچک‌ترین ارتباطی با حوادث پایا و کردستان نداشته است گزایه کرده، کافی بوده است تا حاکم شرع، بدون کوچکترین رسیدگی، حکم اعدام او را صادر کند . در قصر شیرین، شیراز، اصفهان، رشت، تبریز، مشهد و بسیاری از شهرهای دیگر مراکز حزب، مورد هجوم و تخریب و آتش‌سوزی قرار گرفت و هیچ مرجعی هم تاکنون به شکایات مادر این ضربه رسیدگی نکرده‌است . در همان حال، علیرغم دستورات مکرر امام در زمینه آزاد گذاشتن فروش کتاب و نشریات، و دادستان انقلاب مرکز به‌چاپخانه‌ها - با تهدیده تطیل و تعقیب آن‌ها- اخطار کرده است که از چاپ و کتب ضاله خودداری کنند، بدون آنکه توضیح دهده که محاکمه کدامند و معیار ضاله بودن چیست ؟ در ارتباط با این بخشنامه، روزنامه انقلاب اسلامی، در مقاله‌ای زیر عنوان «سیاسی‌گرویا و رومانی «کتب و نشریات مضره!» اهی خطرناکی که باز سر بلند می‌کنند خطاب به‌دادستان انقلاب مرکز نوشت:

«در میان نابوری و بیعت خیر شدید که به دهی کردنشین شده و عده بسیاری را قتل‌عام کرده‌اند . قتل‌عام زن و کودک و پیر و میرد بر دفاع ! روشن است که این‌گونه جنایات تنها به دست عمل امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم سرنگون شده پهلوی صورت می‌گیرد، که اینک زیر پرچم دروغین دفاع از اسلام، مردم مسلمان بر دفاع را قتل‌عام می‌کنند . اعدام بی‌گناهان در کرمانشاه، قتل‌عام در قارنا و ده‌ها حادثهٔ غم‌انگیز و «بیت‌انگیز» و «باورنکردنی» دیگر، نخستین موه‌های تلخ و مسوم‌کننده درخت انحصارطلبی و اولین نتایج دردناک و خطرناک سرکوب آزادی است .

حزب توده ایران سخنان مجاهد فراموش نشدی، آیت‌الله طالقانی را، در خطبه نماز روز ۱۶ شهریور ۱۳۵۸ در این زمینه کاملاً تایید می‌کند . وی گفت:

« در همین مسائلی که در کردستان پیش آمد، اگر ما به‌جای پس‌گیری پیش‌گیری می‌کردیم، اگر آن وقتی که من به سنندج رفته بودم تا همگان، عمل می‌کردیم، و در حفظ رحمت و دیرتو رحمت، و این‌ها تمام می‌گرفتیم و پندها را از این‌ها برمی - داشتند، پندهایی که از طرف رژیم به‌آن‌ها تحمیل شده و آنچه که رژیم غدار طاغوت به‌آن‌ها تحمیل کرده بود، شاید این‌مسائل پیش نمی‌آمد و یاکم‌تر پیش می‌آمد»

در حوادث کردستان تاکنون صدها نفر از مردم زحمتکش شبر و روستا، که اکثریشان کوچک‌ترین دخالتی در این حوادث نداشته‌اند، به‌خاک و خون غلطیده‌اند، هزاران نفر از خانه‌ها گرانده آواره شده‌اند و ده‌ها نفر بدون کوچک‌ترین جرمی اعدام گردیده‌اند. ظاهراً ارتش برقرار شده است . ولی تاریخ صد ساله اخیر چنین‌هایی می‌درد و در مراسم جهان در همین تاریخ ما ایران، ده‌ها و ده‌ها بار نشان داده است که با این‌گونه «آرامش‌ها» و «سسه‌ها» خلق کرد و سررصدای هواداران این‌گونه «آرامش‌ها»، «سسه‌ها» خلق کرد و مسائل نظیر آن در سراسر ایران حل نخواهد شد . تنها زخم دردناک تازه‌ای به زخ‌های موجود افزوده شده است . اگر در راه برآوردن خواست‌های به‌حق کارگران و زحمتکشان ایران و دهقانان محروم ایران، در راه پایان دادن به محرومیت‌های ملی خلق‌های غیرفارس در چهار گوشه کشور ما، گام‌های مؤثر و امید- بخش برداشته نشود، پاکشتن، اعدام، تبعید، زندان، و اخراج، با بامب آتش‌زا و بمب‌افکن قاتوم و ملیکون‌پوش کبرا می‌توان موتا آرامش گورستان را برقرار کرد، ولی درهای اجتماعی را نمی‌توان در مان نمود .

در حوادث کردستان، با نتایج دردناکش، نکته‌های تاریک بسیاری وجود دارد که توجه به‌آن‌ها شایان اهمیت است . و همین نکات تاریک است که تکراری هواداران راستین انقلاب ایران را دوچندان می‌کند . این نکات تاریک تا آن‌جده است که حتی در نمای عالی‌ترین مقامات مسئول اختلاف جدی دیده می‌شود. مثلاً آقای وزیر کار و سراجت اظهار داشته است که در مورد کردستان در سخنرانی تلویزیونی خود اشاره‌ای نکرده است . آقای نخست‌وزیر هم گزارش‌های دروغ به‌امام داده شده است . در نشست‌وزیر هم در سخنرانی آزادی و همهٔ هواداران تبعیت و تحکیم و گسترش عیق- سقز و یا سنندج داشته است . روزنامهٔ «کیهان انگلیسی»، که زیر نظر جناح میمنی از هیئت حاکمه کنونی منتشد می‌شود، بدون هیچ دلیلی اتحاد شوروی را شتم کرده است که در کردستان به منزلهٔ بازکردن زنجیر از دست و پای گرگ‌های فساد در همهٔ زمینه‌هاست .

۴- جریان بازسازی ارتش و سایر نیروهای انتظامی - تشدید گرایش برای احیاء نزدیکی و وابستگی به امپریالیسم آمریکا

یکی از مهم‌ترین بی‌آمدهای تحول دوران اخیر و چرخش کنونی را در جریان بازسازی ارتش و سایر نیروهای انتظامی می‌توان دید. از همان آغاز انقلاب، دولتی برای بازسازی ارتش - و دقیق‌تر- برای ایجاد ارتش جمهوری اسلامی ایران به‌وجود آمد. نظر هواداران راستین انقلاب این بود که «ارتش شاهنشاهی»، که تنها به‌منظور سرکوب جنبش خلق و ایفاء نقش ژاندارم منطقه به‌وجود آمده، تربیت یافته و مسلح شده است، نمی‌تواند به‌عنوان ارتش خلقی جمهوری اسلامی ایران تغییر شکل پیدا کند. تنها پایه‌خانه فرستادن چند سرباز و سرلشکر نمی‌توان «ارتش شاهنشاهی» را به‌ارتش خلق تبدیل ساخت. باید ارتش را به‌طور بنیادی تجدید سازمان کرد و پیش از هر چیزی آن را از همهٔ سرسپردگان رژیم گذشته در همهٔ مراتب پاک‌سازی نمود. کسانی هم بودند و هستند که با نقشهٔ سرکوب مبارزات آیندهٔ توده‌های میلیونی زحمتکشان شبر و روستا برای خواست‌هایشان، می‌کوشیدند و می‌کوشند «ارتش شاهنشاهی» را راه‌رچی زوروت بهمان شکل سابق بازسازی کنند و حتی وابستگی آن را به امپریالیسم آمریکا، از لحاظ سازوریک و جنگ‌افزار و مستشارها دوباره احیا کنند.

این کوشش در ماه‌های اخیر به‌صورت مبارزهٔ مخفی دوچریان در مقامات حاکم کشور مشهود بود. این برخورد دولتی در روزنامه انقلاب اسلامی، که مسلماً از جریانات پشت پرده مطلع است، بازتاب یافت. این روزنامه، در سلسله مقالاتی زیر عنوان «انقلاب ما، از جمله دربارهٔ بازگرداندن مستشاران آمریکائی موضع‌گیری نموده و نتیجه‌گیری کرد که:

« با طالعی که در بالا عنوان شد، آیا این دلیل که چون خراج زیادی برای خرید این سلاح‌ها شده است، باید کارشناسان آئیم با حقوق‌های گزاف باشند، پیش‌نویس قانون اساسی را از مهم‌ترین تعهدات در مورد آزادی‌های فردی و اجتماعی، و حقوق دموکراتیک و از هر چه که منافع توده‌های میلیونی زحمتکشان برای سرورستان رادر برآوردن غارت سرمایه‌داری مورد حمایت قرار می‌دهد، تبی‌کنند و آن را با کلمات پر صدا، ولی ناروشن، غیر دقیق و خالی از محتوی جاننشین سازند . این تلاش آن‌قدر آشکار است که حتی افراد مؤثری از مقامات حاکم کنونی، مانند آقای بنی‌مدر و وطن‌زاده، مجبور شدند دفاع از پیش‌نویس قانون اساسی به‌این واقعیت تکیه‌کنند که این پیش‌نویس، به‌استثنا در تذکر مسائل فرعی، این مورد تایید امام خمینی قرار گرفته است . روان‌شاد آیت‌الله طالقانی نیز با خودداری از شرکت فعال در بررسی پیش‌نویس قانون اساسی، ناراضگی خود را در این زمینه ابراز می‌داشت . این ناراضگی حتی در سخنان تاریخی آیت‌الله طالقانی در ۱۶ شهریور نیز بروز کرد . آقای مهندس بازرگان نخست‌وزیر، در سخنرانی خود، این تکراری راه که در مهم‌ترین مسائل سیاست داخلی کشور است، به روشنی بیان داشت و گفت:

«... آیت‌الله طالقانی طرفدار این بود: لا آکراه فرالدین . یعنی آن دشمنی که با زور و اجبار تحمیل بشود پیش خدا ارتش ندارد و بنابراین پیش خلق هم ارتش ندارد اسلام و قرآن اساسش آزادی است، و یعنی آزادی تحمیلی این اسارت است و مسئلهٔ مشورت که آخرین توصیهٔ طالقانی بود، روی همین شوراها بود که باید ایالات و قسمت‌ها خودشان نمایندگان خود را انتخاب بکنند، قسمتی از باور داخل ایالات را اداره بکنند، فرهنگ، مباحثات، آب و برق، و نظافت، آن‌ها مسلم به‌تبع عقلشان می‌رسد که چه کسی کارها را اداره بکنند و ایالات خودشان طالقانی مردی انقلابی و مجاهد بود و طرفدار ایران و مشورت و طرفدار اسلام پاک و آزاد و طرفدار قرآن و عفت خالی از صعبیت طرفدار آزادی عقیده و اداره و مشورت ... طرفدار مبارزه با استبداد و مخالف سنت قتری بودن ... خلاصهٔ جسم استبداد ایران و شرق مسلمان‌احتیاج داشت و انقلاب ایران داشته و دارد بود ... و او را در او رخ به دلالتی تکران کرده بود که قانون اساسی از آنچه یک‌عصر اودرراهش مبارزه کرده بود انقلاب ما بود، از آن‌ها منحرف نشود و توی خط‌هالی بینهٔ که در بالا ذکر شده .

به‌نظر ما تکراری مجاهد فقید آیت‌الله طالقانی، تکراری همهٔ میهن دوستان و آزادیخواهان ایران است. فقیرانه‌ای که تاکنون در دوستان ایران و همهٔ هواداران تبعیت و تحکیم و گسترش عیق- سقز و یا سنندج داشته است . روزنامهٔ «کیهان انگلیسی»، که زیر نظر جناح میمنی از هیئت حاکمه کنونی منتشد می‌شود، بدون هیچ دلیلی اتحاد شوروی را شتم کرده است که در کردستان به منزلهٔ بازکردن زنجیر از دست و پای گرگ‌های فساد در همهٔ زمینه‌هاست .

بقیه در صفحه بعد

محدود می‌سازد. یعنی بطوریستی، پس از پیروزی انقلاب، نبرد طبقاتی در می‌گیرد و هر روز شدت پیدا می‌کند. در گزارش هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران به‌پایانم ۱۶ کمیته مرکزی (استفدماه ۱۳۵۷) به‌روشنی گفته شده است:

جنبش ما با مسائل بفرنجی روبرو است. امپریالیسم و ارتجاع ایران، که هنوز مستکرها می‌می را در دست‌های دولتی و در کارهای فرماندهی نیروهای مسلح و پلیس و به‌ویژه در اقتصاد کشور در دست دارند، امروز نقاب‌نازه بر چهره زده و از در آشتی با جنبش‌ها در آمده‌اند، تا فردا خود را بعنوان بهترین دوست جا بزنند و اهرم‌های فرمان خیران را در دست بگیرند و روز دیگر دوباره بایک توطئه‌خائنه جنبش را باغلق‌گیر کرده سرکوب نمایند. مسلم است که بورژوازی لیبرال، که تاکنون با جنبش همراه بود، می‌کوشد جنبش را در چارچوب منافع محدود طبقاتی خود نگاه‌دارد و جنبه‌های خلقی و مردمی آن را تضعیف نماید. تجربهٔ همهٔ انقلاب‌ها نشان داده است که باکتر جنبش انقلابی در جهت خواست‌های طبقات و قشرهای محروم جامعه، بورژوازی لیبرال حاضر شده‌است از انقلاب روبرو گرداند و با یاتی‌مانده‌های نیروهای لیبرال، خندانقلابی سازش کند و آن را برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکشان به‌کار اندازد. باید انتظار داشت که در دوران جنبش انقلابی میان ما هم همین پدیده‌ها رخ دهد.

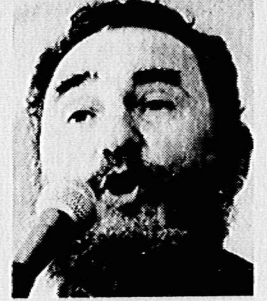
در نتیجهٔ فرار غارتگران کلان و مقاومت سرمایه داران بزرگ و زمین‌خواران، شورای انقلاب ودولت توان شکر آن شدند که با یاختهٔ این رشته تصمیمات، خرابکاری این غارتگران را خنثی سازند. ولی این‌ها با یاتی‌ماندهٔ اموال خندانقلابی و وابستگی آن‌ها در رژیم سابق در مقابل بدهی چند میلیاردی آنان به‌پانک‌ها، تدارک مقدمات سلب مالکیت از زمین‌های موات کشاورزی دیگر از این‌گونه تصمیمات ضروری که خائنه‌ها خلیلی دید گرفته شد، بطور کلی مفید بودند و در صورت اجرای دقیق و بی‌خشنه مؤثر خواهند بود. ولی علیرغم این تصمیمات و با این‌که سرمایه‌داری بزرگ زخم برداشته، ولی از این درنیا آمده است و با امکانات عظیمی که دارد، هنوز فلاته می‌کوشد مواضع خود را حفظ کند و مواضع از دست رفته را دوباره بدست آورد. این قشر، بوسیلهٔ کارگزاران خود در مقام دستگاه‌های دولتی و اقتصادی و حتی در مقامات بالائی قدرت، می‌کوشد از راه‌های گوناگون چوب لای چرخ بازسازی و نو سازی اقتصاد کشور بگذارد. امپریالیست‌ها به‌اتمام امکاناتشان از این سیاست پشتیبانی می‌کنند. این قشر، با نفوذ و با یک باقی‌ماندهٔ قدرت مالی عظیم خود و با بهره‌گیری از امکانات زیادی که در دستگاه‌های تبلیغاتی و اجرایی دارد، می‌کوشد این‌طور صحنه‌سازی کند که گویا زحمتکشان مقرر اصلی در ادامهٔ وضع بحرانی کنونی هستند و برای از بین بردن بحران باید به محدودیت‌های جدی در زمینه حقوق سنی و اجتماعی و سیاسی زحمتکشان دست‌زده‌خواست‌های به‌حق آنان با اعمال زور، اخراج و حتی زندان پاسخ داد.

بدون شک در صورتی که دولت بوقت نتواند و یا نخواهد ریشهٔ اصلی مشکلات کنونی را، که در آزادی همچنان بی‌بندوبار سرمایه‌داری و زمین‌داری بزرگ وابسته است، بخشکاند، نخواهد توانست بر این مشکلات غلبه کند. خشکاندن این ریشه‌ها هم تنها بوابهٔ از این راه ممکن است که دولت به‌توده‌های زحمتکش شبر و روستا تکیه کند و خواست‌های به‌حق آنان را برآورد.

دولت باید در بخش دولتی صنعتی ادارهٔ واحد ملی شده راهب شورای انتخبانی از کارگران و مهندسان و کارمندان اداری، که با اختیار و با مسئولیت باشند و از کمکی‌های مادی دولت برخوردار گردند، و گذار کند. دولت باید در این راه از تمام نیروی کار موجود جامعه، که وفادار به انقلاب‌اند، صرف‌نظر از موضع‌گیری‌های سیاسی و ایدئولوژیک آنان، استفاده کند.

اخراج کارگران و مهندسان به‌اتهام «چپ بودن»، که در هفته‌ها روزهای اخیر در بسیاری از کارخانه‌های ایران از طرف راست‌گرایان انحصارطلب صورت می‌گیرد، خطری بزرگ در بر دارد. این اقدامات بازتاب این واقعیت اجتماعی است که سرمایه‌داری متوسط و کوچک و خرده بورژوازی، در مقابل طراوت بخش خواست‌های خفه زحمتکشان و محرومان شبر و روستا مقاومت بخش می‌دهند و بر آوردن کامل این خواست‌ها را مخالف منافع خود میدانند و می‌کوشند بر آوردن این خواست‌ها را در چارچوب حداقل ممکن محدود سازند. به‌همین جهت آنان هوادار مشت محکم، کم‌تر قدرت، انحصار قدرت‌اند و به‌سازش با سایر نیروهای ضد زحمتکشان گرایش نشان می‌دهند. ولی همان‌طور که مجاهد فقید آیت‌الله طالقانی با سراجت می‌گفت، مردم زحمتکش ما، از انقلابی که با خون هزاران نفر از خواهران و برادران خویش به پیروزی رسانده‌اند، انتظارات به‌حق دارند.

کارگران شبر، که بخش مهمی از آنان در حصین‌آباد ها، حلبی‌آبادها، زورآبادها و زان‌ها زندگی رقت‌باری را می‌گذرانند، می‌خواهند که انقلاب ایران شرایط زندگی دشوار و طاقت فرسای آنان را بطور بنیادی بهبود بخشد و از شدت فقر و گریز از استعمار بکاهد. آنان برای سکونت خانوادۀ خود مسکن، برای آموزش فرزندان خود مدرسه، برای سلامت خود و خانوادهٔ بزرگ و وارو و برای زندگی در آمد بیشتر و زین و آب ارزان‌تر می‌خواهند که ابتدائی ترین وسیلهٔ دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین می‌خواهند که با خون مبارزین برای ادامهٔ حیات، یعنی زمین و آب و کود و اعتبار و ...، در اختیار بقیه در صفحه بعد



بخش سوم نطق رفیق فیدل کاسترو در کنفرانس غیر متعهدانه در هوانا

امریکای لاتین و سیاست تجاوزگرانه امپریالیسم امریکا

روابط ایران با شوروی عالی است

● رسانه‌های گروهی شوروی، دانشمندان، سیاستمداران و بخصوص مسلمانان انقلاب، ایران را ستوده و آن را حماسه آفرین تلقی کردند.

دکتر محمدکری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی، در گفت و گوئی با خبرنگارهای تاس و نوستی، روابط ایران و شوروی را عالی توصیف کرد. دکتر محمد کری با اشاره به مذاکرات دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه ایران با گرومیکو روابط دو کشور را در سطح عالی توصیف کرد و اظهار داشت انقلاب ایران این کشور را از قید انکاب به خارج جهان رها کرده است. خروج ایران از پیمان سنتو، تطویل پیمانهای جاسوسی امریکا در ایران، عدم ایفای نقش ژاندارم منطقه، قطع رابطه با اسرائیل و افریقای جنوبی، حمایت از آرمانهای مردم فلسطین و سایر جنبشهای آزادیخواه و پیوستن ایران به جرگه کشورهای غیرمتهد، هر کدام قرینه‌ای است بر اینکه ایران برای تقویت استقلال سیاسی خود کوشش می کند و مردم ایران ما بلند با همسایه شمالی خود در صلح و دوستی مقابل زندگی کرده و از ثمرات همکاریهای دو جانبه بهره مند شوند.

سفیر ایران از جرایم شوروی که نسبت به انقلاب ایران موضع واقع بینانه اتخاذ کرده اند تشکر کرد و اظهار داشت:

... رسانه‌های گروهی شوروی، دانشمندان، سیاستمداران و بخصوص مسلمانان، انقلاب ایران را ستوده و آن را حماسه آفرین تلقی کردند.

ما با قاطعیت پشتیبانی و همبستگی خود را نسبت به جنبشهای رهایی بخش خلقهای این منطقه ابراز می‌داریم. خلق پورتوریکو درگیر مبارزات سرسختانه‌ای است در راه تحقق حق تعیین سرنوشت و استقلال و آزادی خود، که این مبارزات با مقاومت و تجاوزگری استعمارگران امپریالیستی مواجه است. خلق پورتوریکو نیز مانند خلقهای زیمبابو، نامیبی، افریقای جنوبی، فلسطین و دیگر خلقها در معرض تجاوز و ستم امپریالیسم امریکاست. ما از خواست عادلانه مردم پاناما در برقراری حق حاکمیت ملی خود بر منطقه کانال پشقیانی و توطئه‌های امپریالیستی برضد پاناما را محکوم می‌کنیم. مبارزه استقلال طلبانه خلق بلووی، که از تجاوز داخلی و رژیم دیکتاتوری گوانتانامو - سانراپ امپریالیسم در این کشور - آنرا سرکوب میکند، مورد پشتیبانی ماست. ما از کوششهای خلق بلووی صمیمانه حمایت می‌کنیم، سرزمین این کشور بخاطر منافع آزدندانده امپریالیستهای امریکائی قطعه قطعه شده است. مبارزات این خلق بخاطر استقلال و آزادی، عادلانه و بی‌حق است. ما با ادامه هرگونه استعمار در نیم کره خود مخالفیم و در راه لغو آن مبارزه می‌کنیم.

نیکارا گوی نوین برای نوسازی کشور به همکاری همه جانبه بین المللی نیازمند است. این کشور در نتیجه قریب نیم قرن سلطه سلسله‌موزا، مولود نفنگدکاران دریائی امریکائی، به ویرانه‌های تبدیل شده است.

کوبا نیز به همبستگی بین المللی نیاز دارد. کشور ما از عواقب محاصره اقتصادی جنایت آمیز امپریالیسم امریکا عذاب میکشد. این محاصره و وحشیانه حتی فروش دارو را به کشور ما شامل میشود. بخشی از سرزمین کشور ما تاکنون هم در اشغال ارتش امریکست ایالات متحد امریکا چه حقی دارد با وسائل گوناگون از رشد و توسعه مهن ما جلوگیری کند؟ آیا امریکا حق دارد بر غم تمایل و اراده خلق ما، در سرزمین کشور ما پایگاه نظامی داشته باشد؟

در تمام این مسائل و اختلافات، که موجب نگرانی خلقهاست، تنها یک قدرت متجاوز، یعنی امپریالیسم امریکا راه میبیم. آیا بیان صریح این واقعات را باید افرای نامید؟

مسئله سر نوشت صلح و بیماریهای مزمن نظام سرمایه داری

باینکه کشورهای کم رشدی نیستند و سطح تولید آنها نسبتاً نازل است و در صورت وقوع جنگ احتمال دارد کمتر از دیگران خسارت ببینند، اما ایامامیتوانیم نسبت به سر نوشت صلح جهانی بی تفاوت باشیم؟ این بی تفاوتی به ما به امتناع از امید به آینده بهتری است. ما با این عقیده، که جنگ جهانی هسته‌ای امریت ناگزیر، موافق نیستیم. یک چنین موضع بی مسئولیت و آینده دار به تقدیر سپردن آسان ترین راه بسوی نابودی محتوم خلقها و در نتیجه فاجعه نامی جهانی است. ما نمیتوانیم این امر مهیبراناننده بگوریم. نسل مادر تاریخ بشریت نخستین یاد است که با یک چنین خطری مواجه میشود.

تکامل جامعه سرمایه داری، نمونه سطح زندگی و مصرف بی بندوبار و اسراف را بوجود آورده و متأسفانه این امر به دیگر کشورها نیز سرایت میکند. بسیاری از کشورهای منطقه ما رشد اقتصادی را، با کوشش برای رسیدن به آن زندگی که در نیویورک و لندن و پاریس وجود دارد، یکسان میدانند، اما بحران اقتصادی جهان سرمایه داری

عوارض آن، تورم، بحران انرژی و بیکاری را نهم خواهد ببینند، کمتر کشوری در همان جنبش غیر متعهدانه وجود دارد که از این مصائب مصون مانده باشد. به عقیده ما، مبارزه در راه صلح، در راه استقرار نظام عادلانه روابط اقتصادی و حل عادلانه مسائل مبرم دیگر، که با سر نوشت و منافع کشورهای مادر ارتباط هستند، برای حیثیت کشورهای غیر متعهد از عمده مسائل اند.

صلح، نتایج زدنسی، همزیستی مسالمت آمیز، خلع سلاح، مسائلی هستند که در راه تحقق آنها باید مبارزه کرد. اگر ما به سر نوشت بشریت علاقه مند هستیم، در جهان امروز جز این راه، راه ممکن دیگری وجود ندارد.

به همین مناسبت، کشورهای عضو جنبش ما باید از همه کوششهایی که در این راه بعمل می آید، حمایت کنند. پس ما باید با احساس رضایت مندی و نظر تأیید از قرارداد سال ۲۰ (محدود کردن سلاحهای استراتژیک) که اتحاد شوروی و ایالات متحد امریکا امضاء کرده اند، پشتیبانی کنیم. در عین حال باید کوششهای نیروهای ارتجاعی و جنک طلب را برای بازگشت به دوران جنگ سرد، محکوم کنیم.

نزد ما مارکسیستها جنگ و تسلیحات، در بید تاریخ آن، با ستم و نظام بهره کشی انسان از انسان و آزمدی و پان ناپذیر این نظام پیوند ناگسستنی دارند. این نظام بر حسب سرشت و ماهیت خود، برای به جنگ آوردن منابع خام به اشغال نظامی و تجاوز به سرزمین دیگران اقدام میکند. ما زمانی در سازمان ملل متحد بیان کردیم، **پایان ایدئولوژی چپا و نگر، پایان ایدئولوژی جنگ خواهد بود.**

سویالیسم، به مثابه یک نظام اجتماعی، برای اقتصاد خود به تولید اسلحه نیاز ندارد. سویالیسم به نیروهای صلح جهت فصب و اشغال منابع طبیعی خلقهای دیگر نیاز ندارد. ما نمایندگان که در این کنفرانس گرد آمده ایم، نمایندگان اکثریت عظیم خلقهای جهان هستیم. پس بیا تئید نیروی روز افزون جنبش نیرومند خود را در سازمان ملل متحد و در همه مجامع بین المللی متحد و هماهنگ کنیم و برای خلقهای خود استقرار روابط اقتصادی بین المللی عادلانه و پایان بخشیدن به غارت منابع و ثروتهای ملی خویش را خواستار شویم. بیا تئید برای احقاق حقوق خود، حق تکامل، حق زندگی و حق آینده سعادت مند ایستادگی کنیم.

نظام اقتصادی مبتنی بر فرو نمشدن گسروهی به حساب بهره کشی از دیگران، آن نظامیکه تا دیروز خلقهای ما را به فقر محکوم کرده بود و میکوشد در همان وضع عقبماندگی اقتصادی و اجتماعی ما را نگهدارد، دیگر در حال افول است. باشد که در این ششمین کنفرانس ایران دوز و کشورهای جنبش غیر متعهدانه، همزمان راخ برای مبارزه در راه ایجاد و نتیجه این کنفرانس به اقدامات مشخص و عمل بیا انجامد، نه تنها، سخنرانی.

شاید این اظهارات من، در کشایش کنفرانس، چندان با موازین دیپلماسی وفق ندهد و احتمال دارد با پروتکل مصوبه مطابقت کامل نداشته باشد، اما من امیدوارم که هیچک از نمایندگان در صمیمیت و صداقت گفته‌های من تردید نداشته باشند.

پایان



همکاری سازمانهای جاسوسی آمریکا و مصر و اسرائیل در توطئه علیه انقلاب ایران

روزنامه «الشعب» چاپ لبنان، در تفسیری پیرامون اوضاع ایران مینویسد که، آمریکا تلاش دارد با استفاده از اوضاع ایران، رژیم انقلابی کنونی در کشور را سرنگون سازد و یک رژیم هوادار امریکا بسر سر کلا آورد. اداره مرکزی اطلاعات امریکا، «سپا» با همکاری سازمانهای جاسوسی اسرائیل، انگلستان و مصر در این زمینه همکاری میکند. عملیات تخریبی و ترور که در ایران انجام میگردد از اجزاء این توطئه اند. این روزنامه مینویسد که مسافرت اخیر رئیس دایره خاورمیانه «سپا» به قاهره و بیت المقدس هدف هماهنگی این توطئه‌ها را داشته است و به همین منظور با نمایندگان سازمانهای جاسوسی مصر و اسرائیل ملاقات و مذاکراتی بعمل آورده است. روزنامه «الشعب» در پایان تفسیر خود مینویسد، نقشه این عملیات توطئه گرانه علیه ایران با تمام جزئیات آن، از آنجمله مداخله مسلحانه مستقیم امریکا، با همکاری نزدیک سازمانهای جاسوسی مصر و اسرائیل و امریکا طرح ریزی و تهیه شده است.

اتحادیه کارگران جوان امریکا خواستار کاهش بودجه نظامی امریکا است

سازمان امریکائی بنام «اتحاد کارگران جوان بخاطر آزادی» تصویب هر چه زودتر فراز داد ۲ سالته و محدود کردن سلاحهای استراتژیک میان امریکای شوروی را خواستار شد. در پیام منتشره از جانب این سازمان خاطر نشان شده است که تصویب این قرارداد با مستحکم مبنای صلح کمک میکند و امکان خواهد داد که در امریکای پیادهای هنگفت نظامی کاهش یابد و برای مبارزه با تورم، بیکاری و در زمینه بهداشت و امور اجتماعی اعتبارات بیشتری مصرف شود.

خبرگزاری تاس ادعای پروان زارد کرد

خبرگزاری تاس اظهارات پروان زارد امور خارجه امریکا، رامین بر اینکه گویا هزینه‌های نظامی دولت شوروی طی پانزده سال اخیر فوق العاده افزایش یافته است. در این خبر گفته میشود که هزینه‌های دفاعی اتحاد شوروی، از سال ۱۹۶۸ تا کنون، فقط ۵ میلیارد و چهارصد میلیون روبل افزایش یافته، در حالیکه، هزینه‌های نظامی امریکا، طی این مدت، ۷۶ میلیارد و چهارصد میلیون دلار افزوده شده است.

بیکاری - بیماری مزمن نظام سرمایه داری

برابر آمار رسمی منتشره از مرکز بازار مشترک اروپا، همواره بیکاران در کشورهای این بازار دو باره سه شش میلیون نفر مهزند. این شاخص فقر اجتماعی زحمتکشان، از دوران بحران سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۴ در این کشورها، همچنان در این حد باقیست. در ایالتیاه ۷۶ درصد، در بیلژیک ۸ درصد، در فرانسه ۵/۸ درصد اهالی، که قابلیت کار دارند، ارتش بیکاران را تشکیل میدهند.

تغییر کابینه به چه معنی است؟...

بقیه از صفحه ۱

جدید، وجود دارد، مردم بیش از هر چیز انتظار دارند که مسئله کردستان بعنوان مهمترین و حادترین مسئله کنونی کشور، اولین ماده دستور کار قرار گیرد و این مسئله از راه مسالمت آمیز و به سود تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهار چوب وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران حل شود.

صرف نظر از اینکه در باره لزوم وصحت انتصاب آقای چمران به وزارت دفاع ملی، بحثهای فراوان و حادی در محافل سیاسی و اجتماعی وجود دارد، اظهارات آقای چمران، وزیر جدید دفاع، در باره پیمانهای نظامی با کشورهای امپریالیستی و بازسازی ارتش، بار دیگر مسائل حیاتی مربوط به استقلال و امنیت کشور در مطرح میسازد.

مردم از همان آغاز پیروزی انقلاب، ضرورت لغو بدون قید و شرط همه قراردادهای اسارت آور با کشورهای امپریالیستی، و قبل از همه، قرارداد استعماری و استقلال شکن نظامی با امریکا، و بازسازی و نوسازی ارتش، از راه قطع وابستگی ارتش به امپریالیسم امریکا، و تصفیه بنیادی ارتش از سر سپردگان به رژیم سابق بودند. متأسفانه این خواست مردم هنوز انجام نگرفته و این خطری است که همچنان استقلال مهن ما را تهدید میکند. مسردم از وزیر جدید دفاع می‌طلبند که از مرحله حرف بگذرد و به مرحله عمل برسد و قضاوت آخرین خود را در سخنان و وعدهها فقط زمانی خواهد کرد که ببیند این خواستههای اساسی و حیاتی تحقق خواهد پذیرفت یا نه.

کار وزارت آموزش و پرورش با سر نوشت میلیونها نفر از نوجوانان و جوانان ما بستگی دارد، مسئله ایست که برای تمام خانواده‌های ایرانی مطرح است. متأسفانه در آموزش و پرورش ما، از یکسو به علت تصمیمات و روشهای متناقض از جانب مسئولان این وزارتخانه، هر چه مرجع حکم فرماست، از جانب دیگر به علت تصمیمات نادرست و زینبش، اختلال جدی در کار آموزش و پرورش بسروز کرده است. و این هر دو اگر ادامه یابد، خطرات جدی برای آموزش و پرورش ما و نسل جوان، در بردارد. و همین واقعت است که نگرانی عمیق همه مردم و بویژه نوجوانان و جوانان و خانواده‌های آنان را برانگیخته است.

نوجوانان و جوانان، پدران و مادران آنها، و همه مردم ایران انتظار دارند که نظام آموزشی خلقی و ملی دوا ایران پس از انقلاب برقرار گردد، آموزش در ریگان برای همه فراهم شود، محیط آزاد و سالم و اخلاق در آموزش و پرورش و فرهنگ تأمین گردد، تا نسل جوان ما، که در انقلاب بزرگ مردم ایران فعالانه شرکت کرده و خون داده، بتواند با همان روح پرشور انقلابی در ساختن ایرانی نوین، ایران مستقل، آزاد و آباد شرکت کند.